

طراحی بافت مرکزی شهرها با رویکرد هویت‌بخشی به فضا مطالعه موردی: بافت مرکزی شهر بهشهر^۱

* مجید زارعی

E-mail: M.Zarei@ARC.IKiu.ac.ir

** سیده‌نسیم نجفی تروجنی

E-mail: snasim.najafi@gmail.com

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۳/۲۶

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۱۲/۱۰

چکیده

این پژوهش با هدف دستیابی به اصول هویت‌بخش به بافت مرکزی شهرها، پس از بررسی مبانی نظری مربوط به موضوع پژوهش که مفاهیم کلی هویت و مرکز شهری را شامل می‌شود، وضع موجود محدوده‌ی مرکزی شهر بهشهر را، به کمک منابع کتابخانه‌ای و مطالعات میدانی (شامل پرسشنامه، مصاحبه سازمان‌یافته و مشاهده فردی)، بررسی کرده است. تحلیل اطلاعات با استفاده از تکنیک سوات انجام گرفته است. براین اساس روش انجام پژوهش توصیفی - مطالعه موردی است.

منطبق با نتایج به‌دست آمده، به منظور طراحی هویت‌ساز در بافت مرکزی شهر ضروری است، ضمن شناسایی بافت در ابعاد کالبدی، عملکردی و ادراکی - اجتماعی، آشنایی با نظرات مردم در سه گروه ساکنان، شاغلان و استفاده‌کنندگان فضا، دو مؤلفه‌ی تشخیص فضا و این همانی مخاطب با فضا، به‌عنوان اهداف کلان طراحی انتخاب شده و راهکار و گزینه‌های طراحی به منظور دستیابی به این دو هدف کلی و منطبق با ویژگی‌های اصلی یک مرکز شهری ارائه شود.

کلید واژه‌ها: بافت مرکزی شهر، هویت، بحران هویت، هویت‌بخشی، مرکز شهر بهشهر.

۱. این مقاله برگرفته از رساله کارشناسی‌ارشد طراحی شهری سیده‌نسیم نجفی تروجنی، با عنوان «طراحی بافت مرکزی شهر بهشهر، با رویکرد هویت‌بخشی به فضا» (۱۳۹۳) به راهنمایی دکتر مجید زارعی و مشاوره دکتر ناصر براتی در دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره) است.
- ** دانشیار گروه شهرسازی، عضو هیأت علمی دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)
- ** کارشناس ارشد طراحی شهری، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)، نویسنده‌ی مسؤل

مقدمه و طرح مسأله

هر شیء واجد هویتی است و این هویت به صفاتی مترتب است که حاصل عمل آن شیء و معرف و ویژگی‌های معنوی آن هویت هستند که در ظاهر و کالبد تجلی یافته است. در بستر شهرسازی، مکان و فضا، فرهنگ و حافظه تاریخی را می‌توان به‌عنوان ابزارهایی هویت‌ساز دانست. یک شهر نیز ترکیبی از عوامل طبیعی، اجتماعی و محیط‌های شناخته شده از سوی انسان است، که در آن جمعیت ساکن متمرکز شده هویت خاصی دارند. هویتی که شهر را از سایر شهرها متمایز می‌سازد و به جمعیت ساکن در آن معنا می‌بخشد (نصر، ۱۳۹۶: ۲۰). فضاها و بافت‌های مختلف شهری نیز از این قاعده مستثنی نیستند. هر فضا به سبب ویژگی‌های خاص خود، هویتی دارد که این هویت، مثبت یا منفی، نماینده آن فضا و شکل‌دهنده‌ی تصورات مخاطبان فضا است. در این میان هویت برخی فضاها، از جمله مراکز شهری، به طرز بسزایی بر هویت شهر تأثیرگذار است. مراکز شهری در طول تاریخ کانون توجهات و محل وقایع خاص شهری بوده و همواره به‌عنوان مهم‌ترین بخش شهر مورد توجه بوده است. وجه مشترک تمام مراکز شهری را می‌توان در مقیاس سرزندگی و کیفیت محیطی آنها دانست که هر یک از آنها را به مکانی خاص مبدل ساخته است. این مراکز نماد فرهنگی شهرهای بزرگ و کوچک به‌شمار می‌آیند، همچنان‌که به‌عنوان قلب اقتصادی در شهرها عمل می‌کنند و بالاترین اجاره‌بها و متراکم‌ترین عملکرد، خدمات و فعالیت‌های تجاری و اداری را در خود دارند (حسین‌پور و دیگران، ۱۳۹۰: ۲۷۴). این مراکز که براساس نیازهای عام شهروندان و اتفاقات جاری در شهر شکل گرفته‌اند، مکانی برای فعالیت‌های تجاری، تفریحی و فرهنگی بوده و علاوه بر پاسخگویی به نیازهای مادی و معنوی شهروندان، زمینه‌ساز ایجاد تعلق خاطر نسبت به شهر و معرف شهر به گردشگران نیز هستند. از ویژگی‌های مهم مراکز شهری تاریخی، تجمیع و تعامل مجموعه‌ای از فعالیت‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بوده است که بر محوریت دسترسی پیاده و ورود اتومبیل به عرصه‌ی فعالیت‌های شهری و دگرگونی ارتباطات اجتماعی، جذابیت خیابان‌ها و فضاها پیاده را تحت تأثیر قرار داد (صراف‌ی و محمدیان، ۱۳۹۲: ۱۱۲). با گذشت زمان، در ایران و در بسیاری کشورهای جهان، این مراکز با ضعف کارکردی و کالبدی مواجه شدند. در حقیقت با ورود سریع مدرنیته به دنیای سنتی و عدم وجود زمینه‌ی لازم به منظور انطباق مناسب فضا با عناصر دنیای مدرن، رفته‌رفته کیفیت

فعالیتی و کالبدی این مراکز شهری رو به افول نهاد. بخش عمده‌ای از این فضاها با فرسودگی و بخش دیگری - به سبب عدم وجود طرح مناسب به منظور بازطراحی و به‌روزرسانی فضا - با کالبدهای نوساز ناموزون و نامنطبق با بافت شهر، اقلیم محدوده و به‌طور کلی هویت شهر مواجه شدند؛ بنابراین مراکز پدید آمدند که از یک‌سو قابلیت پاسخگویی مناسب به نیازهای روز شهروندان را نداشتند و از سوی دیگر فاقد عناصر هویتی لازم در جهت ایجاد حس تعلق و حس مالکیت نسبت به فضا در شهروندان بودند.

بافت مرکزی شهر به‌شهر نیز از جمله مراکز شهری تاریخی در ایران است که دربرگیرنده‌ی هسته‌ی اولیه شهر - باغ‌شاه متعلق به دوران صفویه - است و به سبب عدم انطباق فضا با نیازهای شهروندان و ساختار عمومی شهر (از جمله تحولات شبکه ارتباطی درون شهری)، بی‌توجهی نسبت به کیفیت فضا و فقدان طرحی کارا و مورد اقبال عموم، با فرسودگی و هرج و مرج کالبدی - فعالیتی و سطح پایین کیفیت حیات شهری مواجه شده است. لذا این پژوهش با هدف ارتقاء کیفیت زندگی شهری در بافت مرکزی به‌شهر به کمک هویت‌بخشی به فضا، در پی دستیابی به اصول کلی به منظور هویت‌بخشی به بافت مرکزی شهرها است.

سؤالات پژوهش

- سؤال اصلی

مهم‌ترین راهکارهای طراحی، به منظور هویت‌بخشیدن به بافت مرکزی شهر به‌شهر کدام است؟

- سؤالات فرعی

- ۱- اصول طراحی مراکز شهری موفق چیست؟
- ۲- چگونه می‌توان هویت مثبت را در یک بافت شهری تقویت کرد؟
- ۳- نقاط قوت و ضعف هویت در بافت مرکزی شهر به‌شهر کدامند؟

تعاریف و مفاهیم

- مفهوم و گسترده‌ی معنایی مرکز شهر

در طول تاریخ، مرکز شهر معانی و مفاهیم متفاوتی داشته است؛ از مفاهیم سیاسی و اقتصادی گرفته تا مفاهیم اجتماعی، فرهنگی و کالبدی - فضایی. ولی این مفهوم همیشه بر آن بوده است که به فضایی شاعرانه و تغزلی اشاره کند. مرکز شهر در مقیاس‌های

متفاوت خود، مکان همبستگی تعاملات و تباینات شهری بوده است، و در هر مقیاس، مکانی بوده است برای بروز و حضور حیات مدنی در عرصه‌های کالبدی، فضایی، مکانی و زمانی (حبیبی و مقصودی، ۱۳۸۶: ۱۳-۱۲). در تعریف عام، مرکز شهر نقطه‌ی کانونی شهر است که محل وقوع، شکل‌گیری و تجمع مهم‌ترین فعالیت‌های شهری، خاطرات جمعی و تجلی‌گاه حضور مردم در شهر است. مرکز شهر در عین حال بخش عمده‌ای از تعاملات اداری و اقتصادی شهر را در خود جای می‌دهد (مهندسان مشاور فرهاد، ۱۳۸۴: ۸۱). بنابر قرارداد، مکانی از شهرهای تاریخی که محل فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی و مدیریتی و خدماتی همگانی برای شهروندان و واردشدگان به شهر بوده است، در بسیاری از شهرهای ایرانی، مرکز شهری نامیده می‌شود. مرکز شهری یا مرکز تاریخی شهر، می‌تواند ابعاد و شکل و توانمندی‌های خاص همان شهر را داشته باشد - منحصربه‌فرد باشد و براساس الگویی آزموده شده، به قید دگرگونی‌هایی کم یا بیش محدود، تکرار شده باشد» (فلامکی، ۱۳۸۷: ۹۹-۱۰۰).

ارنست برگس یک جغرافیدان شهری امریکایی، در سال ۱۹۲۳، در روش مشهورش [با نام] ساختار منطقه‌ای دایره‌[های] متحدالمرکز شهر، مرکز تجاری شهر را پیشنهاد کرد (یاگانگ، ۲۰۱۱: ۲۵۹-۲۵۸).

- ساختار عملکردی مرکز شهر

تنوع کار در مرکز شهر نیز فوق‌العاده بیشتر از هر جای دیگر است. بیل موشر، فهرستی دوازده مرکزی برای فعالیت‌های مرکز شهر ارائه می‌دهد: تجارت، حکومت، فرهنگ و هنر، تفریح، آموزش، مسکن، پزشکی، آسایش و توریسم، ورزشی، خرده‌فروشی و خدمات‌رسانی، فروشگاه‌ها و مراکز میراث (حسین‌زاده دلیر و جوادی اشکلک، ۱۳۸۵: ۳۰).

مایکل پاسیونه عملکردهای مراکز شهری را در دسته‌های کلی تری تقسیم‌بندی می‌کند: «۱- مرکز تجاری اصلی شهر ۲- مرکز خرده‌فروشی ۳- ناحیه‌ای که زمانی محل تمرکز تولیدات صنعتی بوده است و برخی از صنایع سبک در آن یافت می‌شود ۴- کانون فعالیت‌های خدماتی، دفاتر تجاری و نهادهای مالی ۵- ناحیه‌ای با کاربری‌های مسکونی محدود» (بصیرت، ۱۳۸۳: ۱۰۳). در عصر حاضر با توجه به تغییر رویکردها به مرکز شهری و تلاش به منظور ایجاد مراکز شهری سرزنده، مکان‌یابی کاربری‌های با جذب جمعیت بالا از مهم‌ترین اصول طراحی یک مرکز شهری محسوب می‌شود؛ لذا ساختار

عملکردی یافت مرکزی شهرها، فعالیت‌های تجاری، مسکونی، مراکز اداری و دولتی، فعالیت‌های فرهنگی و مذهبی و مکان‌های تفریحی را شامل می‌شود.

- بازآفرینی مراکز شهری

سای پامیر هفت اصل پایه را برای اصلاح و بازآفرینی موفق شهری مراکز شهری بیان می‌کند که در ادامه به صورت خلاصه به آنها اشاره می‌شود:

اصل اول: بهبود تنوع کاربری (استفاده)؛ یک مرکز شهر سالم باید گستره وسیعی از اختلاط کاربری‌های مختلف را در خود داشته باشد تا بتواند در جهت ایجاد یک محیط تجاری و تفریحی سرزنده و متنوع، به گونه‌ای مؤثر و پاسخ دهنده عمل کند.

اصل دوم: تشویق فشردگی؛ برای بهبود فعالیت پیاده، محدوده مرکزی شهر باید فشرده بوده و حجم بالایی از فعالیت‌های با قابلیت دسترسی آسان پیاده را به بار نشانند.

اصل سوم: ایجاد تراکم توسعه؛ با این که تراکم در ایجاد توده‌های حیاتی شهر از نقش مهمی برخوردار است، اما باید دقت کرد که پروژه‌های بزرگ مقیاس جدید تأثیر منفی بر ویژگی‌های مطلوب موجود مرکز شهر بر جای نگذارند.

اصل چهارم: اطمینان از توازن فعالیت‌ها؛ مرکز شهر باید در طول روز و عصر از توازن فعالیتی برخوردار باشد. باید کوشید که با ترکیبی از مغازه‌ها، کاربری‌های جاذب بازدیدکنندگان و فضاهای مسکونی، سرزندگی حوزه مرکزی را در این زمان‌ها نیز برقرار کرد.

اصل پنجم: بالا بردن سهولت دسترسی؛ مهم این است که همراه با تأمین دسترسی راحت و کارا از طریق خودرو و دست‌یابی به پارکینگ با وضوح کامل، برای عابران پیاده اولویت و حق تقدم قائل شد تا آنها تشویق به پیاده‌روی شوند و به خیابان‌ها زندگی بخشند.

اصل ششم: آفرینش پیوندهای عملکردی؛ مردم باید بتوانند بین مراکز فعالیت از طریق مسیرهای ارتباطی مستقیم، جذاب و راحت، به صورت پیاده تردد کنند.

اصل هفتم: ساختن یک سامانه‌ی هویتی مثبت؛ مراکز شهری برای خلق مکانی جذاب و دلپذیر برای تعامل اجتماعی مردم، احتیاج به سامانه‌ی هویتی مثبت دارند (پامیر، ۱۳۸۹: ۳۲-۲۵).

جدول ۱: رویکردهای معاصر به مراکز شهری (منبع: مطالعات نگارندگان).

نوع رویکرد به مرکز شهر	نظریه پرداز اصلی	مهم‌ترین راهبردها
منطقه مرکزی تجاری شهر	ارنست برگس	- تمرکز فعالیت‌های تجاری و خدماتی در مرکز شهر - فقدان کاربری مسکونی در مرکز

قلب شهر به عنوان فعالیت پنجم	گروه مارس	- تأکید بر جنبه‌های اجتماعی شهرسازی در ساخت مراکز - توجه به حقوق عابران پیاده
پیاده گستری در مرکز	شهرسازان امریکایی	- ایجاد خیابان‌های پیاده به نام Mall در مراکز شهرهای امریکایی - ممنوعیت ورود خودرو به مراکز تاریخی شهرهای اروپایی و توجه به برنامه‌ریزی برای پیاده
اصالت‌بخشی	گل‌س	- بهبود کیفیت محیط
مراکز سرزنده‌ی شهری	جین جیکوبز	- زنده بودن یک شهر در گرو مرکز شهری مترکم، پیچیده و پرازدحام

- مفهوم هویت

در بحث هویت، نخست باید مفهوم آن را در معنای لغوی جست‌وجو کرد. در فرهنگ فارسی عمید هویت به معنای «حقیقت شیء یا شخص که مشتمل بر صفات جوهری او باشد، شخصیت، ذات، هستی و وجود، منسوب به هو» آمده است (عمید، ۱۳۶۲: ۱۰۹۹). در لغت‌نامه‌ی دهخدا این‌گونه تعریف شده است: «هویت عبارت است از تشخیص و همین معنی میان حکیمان و متکلمان مشهور است. هویت گاه بر وجود خارجی اطلاق می‌شود، گاه بر ماهیت یا تشخیص اطلاق می‌شود که عبارت است از حقیقت جزئی. هویت مرتبه‌ی ذات بحث را گویند و مرتبه‌ی احدیت و لاهوت اشارت است از آن» (دهخدا، ۱۳۷۷: ۲۳۵۹۶). در فرهنگ آکسفورد (۲۰۰۸ م.) تعریف این واژه بدین صورت آمده است: ۱- کسی یا چیزی که هر شخصی یا هر چیزی هست ۲- مشخصات، احساسات یا اعتقادات (باورها) که مردم را از دیگران تمییز می‌دهد ۳- کیفیت یا حس بسیار شبیه بودن و قادر به درک کسی یا چیزی بودن (آکسفورد، ۲۰۰۸: ۷۷۰).

هویت در مطالعات محیطی به نحوی دیگر مطرح می‌شود. در بسیاری از متون تخصصی و پژوهش‌ها، مطالعه هویت در محیط مصنوع با توجه به نظریه‌های ادراک محیط و علوم رفتاری انجام شده است. در این پژوهش‌ها، هویت به معنای احساس تعلق و این‌همانی با محیط در نظر گرفته شده و معیارهایی چون احساس امنیت، خاطره‌انگیزی، حس تعلق و وابستگی به منظور ارزیابی هویت تدوین شده و به کار رفته‌اند (میرمقتدایی، ۱۳۸۳: ۳۰). در حقیقت هویت به خودی خود در دسترس نیست، بلکه همواره با فعل شناسایی همراه بوده و باید تثبیت شود که لازمه‌ی آن طبقه‌بندی

کردن اشیا و افراد و مرتبط ساختن خود با چیزی یا فرد دیگری است (غفوریان و دیگران، ۱۳۹۶: ۳۳).

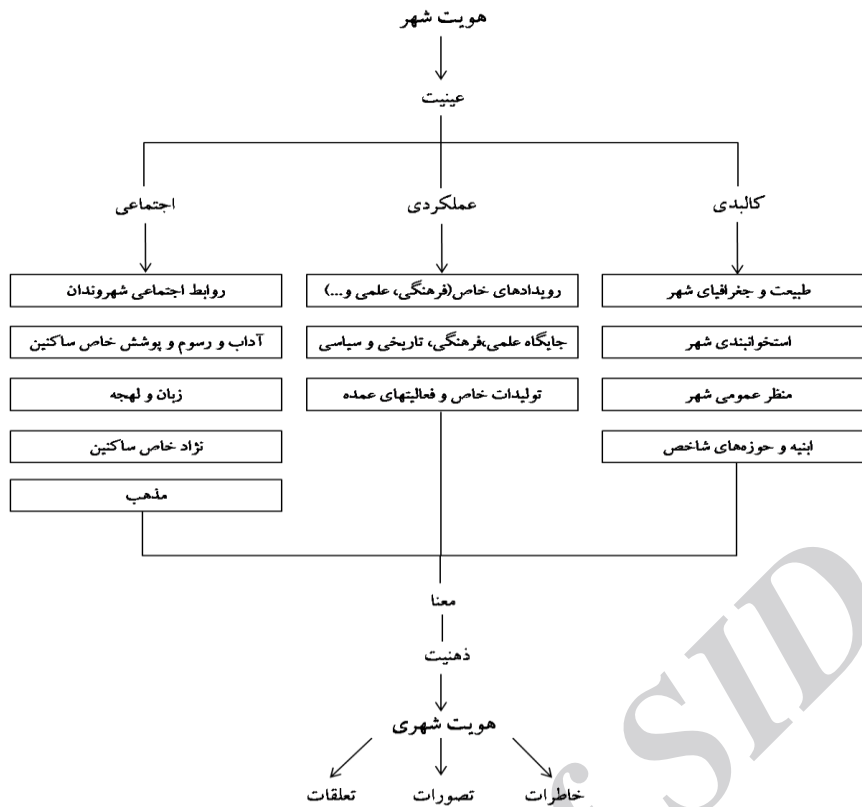
در یک نگاه کلی هویت انسان را می‌توان در دو مرتبه «مادی - حیوانی» و «روحی - عقلی» طبقه‌بندی کرد. این دو ساحت وجود، مکمل یکدیگرند، با هم در تعامل بوده و از یکدیگر اثر می‌پذیرند (نقره‌کار، ۱۳۸۷: ۵۵). هویت به یک فرد در طول زمان احساس تداوم می‌بخشد و بین گذشته، حال و آینده‌ی او ارتباط برقرار می‌کند. از طرف دیگر، این احساس در طول زمان ثبات نسبی دارد، تغییرات در آن به کندی صورت می‌گیرد و به زمانی نسبتاً طولانی نیاز دارد (امیدیان، ۱۳۸۸: ۲۲).

با وجود اختلاف نظر صاحب‌نظران بر سر منابع هویت، برخی منابع و ابزارهای اصلی هویت، مکان و فضا، زمان و فرهنگ است (گل‌محمدی، ۱۳۸۱: ۲۳۹-۲۳۰). بر این اساس هویت را می‌توان ذات هر شخص یا چیز دانست که به کمک عوامل درونی و بیرونی شکل گرفته و در طول زمان ثبات خود را حفظ می‌کند.

- هویت شهری

هویت در شهر به واسطه‌ی ایجاد و تداعی «خاطرات عمومی» در شهروندان تعلق خاطر ایجاد می‌کند، و شهرنشینان را به سوی «شهروند شدن» که گستره‌ای فعال‌تر از ساکن شدن صرف دارد، هدایت می‌کند. پس هرچند که هویت شهر خود معلول فرهنگ شهروندان آن است، لیکن فرایند شهروندسازی را تحت تأثیر قرار داده و می‌تواند باعث تدوین معیارهای مرتبط با مشارکت و قضاوت نزد ناظران و ساکنان شود (نوفل و دیگران، ۱۳۸۸: ۵۸). در حقیقت هویت شهری یک مفهوم غیرفیزیکی است، اما می‌تواند به ویژگی‌های فیزیکی، اجتماعی - اقتصادی، فرهنگی و تاریخی شهر مربوط باشد (آیاتاک و اردغان، ۲۰۱۵: ۱۱۷). هویت شهری مفهومی است که دو عنصر مهم در آن دیده می‌شود؛ یکی عنصر ذهنی و انسانی که بار خود را بیشتر بر واژه هویت می‌گذارد و دیگری عنصر عینی و مکانی که واژه شهر را دربرمی‌گیرد (غراب، ۱۳۹۰: ۴۸). هویت شهری زمانی معنادار خواهد بود که تبلور عینی در فیزیک شهر داشته و در واقع کالبد بیرونی و فیزیک شهر نمادی از هویت شهری باشد (نوفل و دیگران، ۱۳۸۸: ۵۸).
به منظور درک بهتر هویت شهری، ویژگی‌های مفهومی آن به شرح زیر قابل تشخیص است:

- ۱- هویت عضو شهر حاصل تعامل میان انسان و فضا - مکان شهری است.
 - ۲- هویت شهری ارتباط نزدیکی با تجربه‌ی ذهنی و روانی هر فرد دارد.
 - ۳- هویت شهری، ترکیبی از مکان و زمان است.
 - ۴- هویت شهری با مفهوم حس مکان (۱)، رابطه تنگاتنگی دارد (حسینی، ۱۳۹۰: ۴۹-۴۸).
اما چگونه می‌توان هویت شهری را شکل بخشید؟ به منظور پاسخگویی به این موضوع بهتر است به مفهوم اصلی هویت رجوع شود: هویت، چیستی و کیستی هر شیء یا هرکس است که او را از سایرین متمایز ساخته و به او تشخیص می‌بخشد، حال این هویت می‌تواند مطلوب بوده و شخصیت مثبتی را شکل دهد یا نامطلوب بوده و ذات منفی یک چیز را به وجود آورد.
- بر این اساس هویت هر شهر نیز در درجه‌ی نخست در تفاوت‌های آن شهر با سایر شهرها نهفته است، چنان‌که این تمایزات مثبت باشد، هویت شهر چهره‌ای مثبت به مخاطب می‌نمایاند و چنانچه این تمایزات مثبت، با ذهنیت مخاطب و تعلقات و تصورات او گره بخورد، هویت شهری را شکل می‌بخشد. و لذا به منظور دستیابی به هویت شهری باید در درجه‌ی نخست هویت شهر را بر مبنای تصورات جمعی مخاطبان به درستی شناسایی کرد و شکل بخشید. بدین منظور نیاز است هویت هر شهر در طی زمان و براساس فرهنگ (۲) هر جامعه شکل یابد.
- در راستای نیل به این مقصود، باید در درجه‌ی نخست مطالعات پایه شهر انجام پذیرفته تا توان‌های بالقوه شهر و عناصر هویتی آن شناسایی شود و خط مشی‌ای در طرح‌های آتی باشد و در مرحله‌ی بعد، از نیازهای مردمی اطلاع حاصل کرد تا عناصر جدید بر مبنای ذهنیت مخاطب و مطابق با خواست ایشان به وجود آید.
- در نمودار شماره ۱ روند حرکت از هویت شهر تا هویت شهری به‌طور خلاصه بیان شده است. براساس این نمودار، ریشه‌یابی خاطرات، تعلقات و تصورات شهروندان، از مهم‌ترین روش‌های شناسایی هویت شهری و در نهایت عناصر هویتی شهر است.



نمودار ۱: هویت شهر تا هویت شهری، مؤلفه‌های سازنده‌ی هویت شهر و در نتیجه هویت شهری و نتایج آن (که این نتایج خود سازنده ذهنیت می‌باشند) (منبع: مطالعات نگارندگان)

- بحران هویت

بحران هویت که گاهی به اشتباه به «بی‌هویتی» تعبیر می‌شود، یکی از مهم‌ترین بحران‌ها و چالش‌هایی است که انسان در دوره‌ی معاصر با آن روبه‌رو شده است و این بحران چیزی جز نتیجه‌ی غفلت انسان از بعد معنوی حیات خود نیست، اما از آن جایی که این بحران هویت، انسان و تمام دستاوردهای او را شامل می‌شود، مسلماً شهر، فضاهای شهری به‌طور عام و مکان به‌طور خاص نیز از این بحران مستثنی نخواهد بود (نقی‌زاده و طغیانی، ۱۳۹۰: ۷۵).

اما در باب ریشه‌های شکل‌گیری این بحران می‌توان گفت هرچا که تعادل میان تصویر ذهنی و توقعات فرد با عینیات پیرامونش به هم بخورد، احتمال بروز این بحران

هست و هرچه این تعادل در وجوه بیشتری دستخوش تزلزل شود، احتمال مذکور افزایش می‌یابد. نخستین پیامد بحران هویت آن است که فرد خود را بی‌ریشه می‌یابد. دلیل بی‌ریشگی را می‌توان در مخدوش شدن هویت مکان جست‌وجو کرد. به تبع آن هویت مکانی فرد نیز تضعیف می‌شود و دیگر فرد خود را متعلق به مکان خاصی نمی‌داند؛ لذا احساس بی‌هویتی می‌کند (قاسمی‌اصفهانی، ۱۳۸۳: ۸۰). در حقیقت در این حالت فرد نمی‌تواند بازتاب باورها، ترجیحات، ارزش‌ها و انتظارات خود را در مکان ببیند و به نوعی هویت فردی او در مکان تبیین نمی‌شود.

در این میان توسعه‌های شهری جدید، تا حد زیادی بر شکل‌گیری بحران هویت تأثیرگذار بوده‌اند. روند حاکم بر تحولات شهری گرایش به سمت یکسان‌سازی و تخریب هویت‌های فرهنگی (ملی و محلی) دارد. نگاهی به نحوه‌ی ایجاد هویت‌های کالبدی در شهرها می‌تواند گامی در جهت شناخت ریشه بحران بی‌هویتی در شهرها باشد. آنچه که مسلم است تبیین علت از بین رفتن هویت‌های شهری مستلزم آگاهی از فرآیند نحوه‌ی تولید فضا در شهرهاست؛ زیرا هویت‌های کالبدی در حقیقت محصول این فرآیند هستند (اردشیری و معماریان، ۱۳۸۹: ۲۴-۲۳). البته در پرداختن به بحران هویت همواره این خطر وجود دارد که ما به جای در نظر گرفتن تصویر ذهنی کاملی از پدیده در دام دل‌اندوهی بیفتیم و صرفاً تصویری را که از گذشته پدیده در ذهن داریم ملاک ارزیابی و مبنای دستگاه تشخیص هویت قرار دهیم، بدون توجه به این واقعیت که شاید آنچه دیروز هویت‌مند بود و توانایی برآوردن توقعات فرد و جمع را داشت، امروز قادر به پاسخگویی به نیازهای فرد نباشد. نباید از خاطر برد که هویت بیش از آن‌که معطوف به گذشته باشد، به واسطه‌ی ارتباط با توقعات افراد، حال را در بر می‌گیرد و حتی باید بتواند تا آینده امتداد یابد (بهزادفر، ۱۳۸۷: ۴۵). لذا همواره در پروسه‌ی هویت‌سازی باید به این نکته توجه داشت که نیازهای انسان معاصر و تصورات او از مکان چیست و چگونه می‌توان با طراحی مناسب به این نیازها پاسخ گفت.

- هویت‌بخشی به بافت شهری

فرآیند هویت‌بخشی به یک محل عمدتاً با در نظر گرفتن و به‌کارگیری فرصت‌ها و ظرفیت‌های یک سایت شکل می‌گیرد. هر شهر و محله شرایط خاص خود را دارد و فرصت‌ها، امکانات و مشکلات تشخیصی که با تکیه بر این شرایط خاص می‌تواند از هویت منحصربه‌فردی نیز برخوردار شود (قرایی، ۱۳۸۴: ۳۳). در حقیقت ضمن

بازشناسی فرصت‌ها و نقاط قوت و ضعف، «با دستکاری عینیت و تصویر ذهنی آن در جهت منطبق شدن بر هم و قابل بازشناسی و واجد تشخیص شدن پدیده می‌توان به هویت مورد نظر دست یافت» (قاسمی‌اصفهانی، ۱۳۸۳: ۱۰۱). در این میان می‌توان مؤلفه‌هایی را بیان کرد که هویت را در متن شهر پدید آورده و به کمک این عوامل این همانی شهروند با فضا پدید می‌آید. عناصر هویتی به لحاظ وابستگی به مؤلفه‌های طبیعی، انسانی، انسان‌ساخت از همدیگر تفکیک می‌شوند.

- مؤلفه‌های طبیعی هویت شهر: ویژگی‌های بستر طبیعی هر شهری، بخشی از هویت شهر را به تصویر می‌کشد که در قالب هویت طبیعی شهر قابل تعریف است.
- مؤلفه‌های مصنوع هویت شهر: معرف‌های مصنوع هویت هر شهر به صورت ساختاری - کالبدی در لایه‌های مختلف زمان بر فضای شهر تبلور دارند.
- مؤلفه‌های انسانی هویت شهر: این مؤلفه‌ها نیز متأثر از نحوه‌ی اعمال آداب و رسوم، اعتقادات و سیره و روش زندگی ساکنان هر شهری است و بیش از هر چیز به جنبه‌های مدنی شهروندان برمی‌گردد (بهزادفر، ۱۳۸۷: ۶۴-۵۷).

از سوی دیگر می‌توان توجه به هویت‌های پیشین در شکل‌گیری هویت جدید را، عامل اساسی در تشخیص فضا و در نتیجه هویت‌مندی آن دانست. در این راستا، نماد نقشی بسیار اساسی را ایفا می‌کند. به نظر هربرت مید جست‌وجو برای هویت واقعی به تبدلات نمادی مربوط می‌شود؛ لذا اگر مبادله نمادی در وجه اجتماعی و فضایی قطع شده باشد، هویت‌های پیشین نقشی در هویت کنونی شهر ندارند، لیکن با حضور نماد، استنباط مشترک از معانی نماد نیز ضرورت پیدا می‌کند. اگر محتوای نمادی بین همه اعضای جامعه مشترک باشد، مبادله نمادی صورت می‌گیرد، در غیر این صورت مانعی اساسی برای کنش متقابل نمادی وجود خواهد داشت و وقوع آن صرفاً در مراتب پایین‌تر امکان‌پذیر می‌شود (زادرفیعی، ۱۳۸۴: ۱۳). در حقیقت اشتراک مفاهیم نمادین در یک جامعه، عاملی در وحدت افراد و تشخیص جامعه به شمار می‌آید.

به هر صورت می‌توان دو عامل اساسی را، کلید هویت بخش به یک پدیده و در این جا به یک محدوده شهری دانست: تشخیص فضا، این همانی مخاطب با فضا. کلیه‌ی راهکارها و عناصر هویت‌بخش در حقیقت مسیری به منظور دستیابی به دو عامل یاد شده محسوب می‌شوند. لذا می‌توان راهبردهای عمده‌ی هویت‌بخشی به بافت مرکزی شهرها را با توجه به شرایط خاص هر شهر و با توجه به ماهیت یک مرکز شهری که مرکزی مدنی، اداری و تجاری است منطبق با نمودار شماره ۲ بیان کرد.

در کتاب «هویت شهر (نگاهی به هویت شهر تهران)» (۱۳۸۶)، عناصر هویتی شهر را منطبق با محیط‌های سازنده شهر، به مؤلفه‌های طبیعی، مصنوع و انسانی تفکیک می‌کند. غراب در کتاب «هویت شهری» (۱۳۹۰) هویت شهر را عاملی عینی و هویت شهری را عاملی بیشتر ذهنی می‌داند. سید کمال‌الدین حسینی و همکاران در کتاب «هویت شهری» (۱۳۹۰)، درک فضا و هویت شهر، زیبایی‌شناسی نمادین و قابلیت نمادها، نقش خاطره در تداوم و ایجاد هویت شهری و تأثیر مشارکت اجتماعی در ایجاد هویت شهری را، چهار عامل مؤثر بر هویت شهری می‌داند.

روش تحقیق

با توجه به ماهیت موضوع مورد مطالعه و اهداف بیان شده، روند تحقیق دربردارنده‌ی بررسی یک نمونه‌ی خاص (بافت مرکزی بهشهر) و توصیف اطلاعات برداشتی از آن است. لذا روش تحقیق را می‌توان توصیفی - مطالعه‌ی موردی دانست. هم‌چنین به منظور شناسایی بیشتر محدوده پژوهش و آشنایی با نظرات مردم، از مصاحبه سازمان‌یافته (پرسش‌ها به صورت باز و بسته)، بهره گرفته شده است. با توجه به روش تحقیق، هدف کلی در مطالعات موردی، مشاهده تفصیلی ابعاد مورد و تفسیر مشاهده‌ها، از دیدگاه کل گراست. از این‌رو مطالعه‌ی موردی بیشتر به روش کیفی انجام می‌شود (حسن‌زاده، ۱۳۸۶: ۲۱۸).

بررسی نمونه مورد مطالعه

- معرفی محدوده

بهشهر، شهری در شرق استان مازندران و مرکز اداری شهرستان بهشهر است. این شهر از شمال و جنوب به دریا و کوه محدود است؛ بخش‌های شمالی آن را دشت ساحلی نسبتاً باریکی تشکیل داده و نواحی جنوبی آن را عمدتاً کوه‌های البرز در بر گرفته است (جعفری، ۱۳۸۴: ۲۲۱). اقلیم این شهر معتدل مایل به گرم و نیمه مرطوب است (رامین و دیگران، ۱۳۸۹: ۷۰۳).

محدوده‌ی مورد مطالعه، بخش مرکزی شهر بهشهر است که با مساحت ۶۱۸۹۶/۳۳۰۳ مترمربع (حدود ۶۲ هکتار)، واقع در دو ناحیه یک و سه شهری است. تعیین محدوده به‌عنوان بافت مرکزی شهر به عوامل گوناگونی از جمله حوزه‌ی مرکزی شهر در مطالعات تاریخی، فعالیت‌های جاری در بافت، تراکم جمعیت در شب و روز

و... وابسته بوده است. حوزه‌های طراحی، محدوده بلافصل و فراگیر آن در نقشه شماره ۱ نشان داده شده است.

بخش اصلی شهر بهشهر، شامل عمارات سلطنتی در محل شهرداری کنونی بهشهر است که هسته‌ی نخستین شهر را به وجود آورده است و خود شامل بنای دیوان‌خانه و باغات و تأسیسات دیگر سلطنتی است. غیر از عمارات سلطنتی و باغ‌هایی که این عمارت را دربرگرفته‌اند، بنا به گفته‌ی «پیترو دل‌واله» سیاح ایتالیایی که شش سال بعد از آغاز بنای شهر از آن دیدن کرده است، یک خیابان پر از دکان (احتمالاً در امتداد خیابان امام کنونی بهشهر که در امتداد محور اصلی دیوان‌خانه قرار داشته است) و خانه‌هایی چند که بدون نظم و ترتیب در میان درختان ساخته شده و اطراف آنها را زمین‌های وسیع احاطه کرده بوده‌اند، اساس کالبدی این بخش از شهر را به وجود آورده است (مهندسین مشاوربنیاد طرح و پژوهش، ۱۳۵۱: ۹ و ۱۰). گریگوری ملگونوف که در سال ۱۸۶۰ میلادی (۱۲۳۹ هـ ش) به بهشهر آمد، درباره باغ‌های اشرف اینگونه نوشته است: باغ‌هایی که به باغ شاه موسومند، در جنوب غرب شهر و در دامنه کوه «سوت کلوم» می‌رسند و مرکب از ۶ باغ متصل به یکدیگرند که با دیوار از هم جدا شده‌اند. ۱- باغ چهل ستون نام خود را از قصر چهل ستون که در باغ مرکزی قرار دارد، گرفته است. ۲- باغ چشمه یا عمارت چشمه، در جنوب شرقی چهل ستون واقع است. ۳- باغ خلوت با کاخی که حرم شاه عباس در آن قرار داشت. ۴- باغ شمال که وصل به باغ قبلی است. ۵- باغ صاحب‌الزمان در غرب چهل ستون با کاخی که به افتخار امام دوازدهم ساخته شده است. ۶- باغ تپه در شرق کلیه این باغ‌ها با دیوار سنگی بلندی از یکدیگر جدا شده‌اند (ملگونوف، ۱۳۷۶: ۱۹۰). با گذشت زمان و ورود مدرنیته و به وجود آمدن تغییرات در ساختار شهری، بافت مرکزی شهر نیز با تحولات گوناگون مواجه شد. با رکود باغات در دوران قاجار و تخریب کاخ‌های صفوی، بافت مسکونی جایگزین بخشی از باغات غربی (در ضلع غرب باغ شاه) شد. هم‌چنین قسمتی از چشمه عمارت در قسمت شرقی مجموعه باغ‌ها، به خانه‌های مسکونی اختصاص یافت. خیابان‌کشی‌هایی با اسلوب جدید در بافت مرکزی انجام و بناهایی چون ساختمان قدیم آموزش و پرورش، ساختمان کانون فرهنگی به سبک مدرن ساخته شد. در دهه‌های اخیر نیز، این محدوده همچنان نقش خود را به‌عنوان بافت مرکزی شهر حفظ کرده است؛ اما به دلیل عدم وجود طرح مشخص به منظور بازطراحی محدوده و در نتیجه عدم هماهنگی در ساخت و سازهای جدید، مرکز شهر بهشهر که پیشینه‌ی

انجام پذیرفت. هم‌چنین به منظور دریافت جایگاه بافت مرکزی، در ادوار مختلف حیات شهر، مطالعات تاریخی انجام گرفته و نتایج مجموع مطالعات به‌صورت خلاصه در جدول زیر ارائه شده است.

جدول ۲: عناصر هویتی بافت مرکزی شهر (منبع: نگارنده)

عناصر هویتی (مطلوب و نامطلوب) بافت مرکزی شهر به‌شهر	
کوهپایه‌ای با آب و هوای معتدل، وجود محور آب در خیابان‌های شهید رجایی و پاسداران، درختان کهنسال باغشاه، درختان چنار خیابان پاسداران، درختان انار، مرکبات و به صورت محدود زیتون.	طبیعت و جغرافیا
محورهای اصلی خیابان امام خمینی و خیابان شهید هاشمی‌نژاد به صورت صلیبی و ارتباط دهنده‌ی بناهای شاخص (به خصوص ابنیه تاریخی).	استخوان‌بندی
فرسودگی بناها به خصوص برخی ابنیه تاریخی، منظر نامطلوب بافت در ابعاد مختلف، نقطه دید باارزش به کاخ صفی‌آباد، خیابان امام خمینی به‌عنوان یک کریدور بصری با منظر نامناسب، وجود تک بناهای با معماری بومی واجد ارزش.	منظر عمومی و معماری
عمارت باغ شاه (شهرداری)، کاخ چشمه عمارت، مسجد جامع، بنای قدیمی اداره آموزش و پرورش، باغ تپه، بنای تاریخی کانون فرهنگی، محله‌بندی قدیمی شهر شامل محلات بازار و بخش کوچکی از فراش محله و گرجی محله.	ابنیه و حوزه‌های شاخص
هسته تاریخی شهر از دوره‌ی صفویه و شامل ابنیه واجد ارزش مربوط به ادوار مختلف حیات شهر.	جایگاه تاریخی و فرهنگی
مرکز تجاری اصلی شهر، مرکز اداری شهر، عملکرد ترافیکی نامناسب خیابان امام خمینی.	فعالیت و عملکرد
پایین بودن سطح روابط اجتماعی به دلیل عدم وجود بستر مناسب.	روابط اجتماعی شهروندان
برگزاری مراسمات عاشورا و تاسوعا در محدوده‌ی گذر شهیدهاشمی‌نژاد، مقابل باغ شاه (پارک ملت)	آداب و رسوم و پوشش خاص
فارسی - مازنی	زبان و لهجه
شیعه	مذهب

تحلیل وضع موجود

بر مبنای مطالعات انجام گرفته، بافت مرکزی شهر بهشهر، محدوده‌ای با ارزش تاریخی است که در حال حاضر بخش عمده‌ای از بافت فرسوده شهر در آن واقع شده و تحولات در حال انجام آن، بدون برنامه و فاقد نظم کافی است. لذا مرکز شهر از نگاه مخاطب، فاقد هویت مناسب است و بنابر مصاحبات انجام گرفته عبارت مرکز شهر بهشهر، در کنار یادآوری عنصر مهمی چون پارک ملت (باغ شاه) در ذهن افراد، شلوغی، فرسودگی، ترافیک و... را تداعی می‌کند.

مطالعات مرحله‌ی شناخت، در جدول سوات (SWOT) به‌صورت خلاصه جمع‌بندی و تحلیل شده است. الگوهای متفاوتی برای ماتریس سوات پیشنهاد شده، از جمله الگوی «مارتین چیس» برای باززنده سازی مراکز شهری که در آن ماتریس دارای چهار سطح است که به بررسی: ۱- قابلیت دسترسی ۲- مطلوبیت محیطی ۳- مراکز جاذب و ۴- مدیریت می‌پردازد (گلکار، ۱۳۸۴: ۵۳). در این پژوهش نیز براساس الگوی به دست آمده در هویت‌بخشی به بافت مرکزی شهرها، ماتریس سوات (SWOT) در سه سطح عملکردی، کالبدی و ادراکی - اجتماعی بررسی شده است.

جدول ۱-۳: تحلیل وضعیت عملکردی بافت (منبع: نگارنده)

تهدیدها	فرصت‌ها	ضعف‌ها	قوت‌ها
- وجود زمین‌های زمین‌های متروک، مخروبه و سایر در بافت - توجه به طراحی مخروبه و سایر در بافت - گسترش روند تجاری سازی بافت و تهدید بخش مسکونی - عدم وجود پارکینگ کافی	- وجود زمین‌های	- وجود کاربری‌های ناسازگار با کالبد واجد ارزش چون شهرداری	- اختلاط عملکردی بالا
	- متروکه، مخروبه و سایر در بافت	- تخریب باغ چشمه عمارت و ساخت مسکن به جای آن	- حضور شهرداری در بافت به‌عنوان نماد مدنیت
	- توجه به طراحی مناسب معابر در بافت	- وجود زندان در بافت مرکزی شهر	- تمرکز فعالیت‌های تجاری در راسته‌ی خیابان امام
	- طرح‌های بالادست توجه به عملکردهای عناصر واجد ارزش در بافت	- کمبود فضای سبز در بافت	- وجود پارک ملت در بافت مرکزی شهر
	- طرح‌های بالادست توجه به عملکردهای عناصر واجد ارزش در بافت	- حضور دست‌فروشان در محدوده مرکزی	- نفوذپذیری نسبتاً مناسب بافت
	- وجود ضوابط سازمان میراث فرهنگی	- وجود بازار روز در بافت مرکزی و آلودگی‌های ناشی از آن	- ارتباط آسان محدوده مرکزی با سایر نقاط شهر
	- وجود ضوابط سازمان میراث فرهنگی	- عدم تأمین نیازهای تفریحی و استراحتی شهروندان در بافت	
	- به منظور نظارت بر عملکردهای بافت	- کمبود خدمات رفاهی در بافت	
		- وجود کارگاه‌های صنعتی در بافت	
		- عدم وجود جایگاه مناسب ایستگاه تاکسی	
	- عدم وجود پارکینگ کافی		

		- وجود فعالیت‌هایی با جذب جمیت بالا در بافت - وجود بافت مسکونی فعال در بافت	- عرض کم برخی معابر فرعی درون بافت - عرض کم پیاده‌روها و نابسامانی وضعیت آنها - نامناسب بودن پل عابر پیاده در خیابان شهید هاشمی‌نژاد - اختلاط سواره و پیاده در بافت
--	--	--	---

جدول ۳-۲: تحلیل وضعیت کالبدی بافت (منبع: نگارنده)

تهدیدها	فرصت‌ها	ضعف‌ها	قوت‌ها
- وجود بناهای واجد ارزش در بافت - طراحی چراغ‌های برق مناسب - دید به کاخ صفی آباد از بسیاری نقاط بافت - دید به کوه در جنوب و جنوب غربی شهر - دید از کاخ شهرداری به کریدور بصری ایجاد شده در امتداد خیابان امام - تراکم نسبتاً پایین بناهای بافت - ارتباط قوی بافت با استخوان‌بندی شهر به کمک معابر موجود - محور آب جاری در خیابان پاسداران و شهید رجایی - درختان کهنسال پارک ملت (باغ شاه) - درختان چنار خیابان پاسداران	- وجود ضوابط سازمان میراث فرهنگی به منظور نظارت بر کالبد بافت - وجود بناهای مخروبه - ضوابط تهیه شده در طرح‌های بالادست - امکان تقویت شاخصه‌های طبیعی بافت - امکان الگوبرداری از نشانه‌های معماری سنتی و بومی در بافت	- فرسودگی بخش زیادی از بناهای بافت و تخریبی بودن آنها - عدم وجود مبلمان مناسب در بافت، بالاخص در خیابان امام - فرسودگی نماها - عدم هماهنگی نماهای سنتی و جدید - آشفتگی در الحاقات نما - شکستگی نامناسب خط آسمان - عدم نماسازی برخی بناهای نوساز - عدم وجود فضاهای باز شهری	- وجود بناهای واجد ارزش در بافت - طراحی چراغ‌های برق مناسب - دید به کاخ صفی آباد از بسیاری نقاط بافت - دید به کوه در جنوب و جنوب غربی شهر - دید از کاخ شهرداری به کریدور بصری ایجاد شده در امتداد خیابان امام - تراکم نسبتاً پایین بناهای بافت - ارتباط قوی بافت با استخوان‌بندی شهر به کمک معابر موجود - محور آب جاری در خیابان پاسداران و شهید رجایی - درختان کهنسال پارک ملت (باغ شاه) - درختان چنار خیابان پاسداران

جدول ۳-۳: تحلیل وضعیت ادراکی - اجتماعی بافت (منبع: نگارنده)

تهدیدها	فرصت‌ها	ضعف‌ها	قوت‌ها
- بلندمرتبه‌سازی در بافت	- ضوابط طرح‌های بالادست - وجود فضاهای بایر و مخروبه	- عدم وجود فضاهای جمعی در محلات بافت - وجود وضعیت	- وجود عناصر خوانایی قوی در بافت - وجود انسجام اجتماعی بالا در بافت

- وجود مکان‌های مذهبی و فرهنگی متعدد در بافت - وجود عناصر تاریخی خاطره‌ساز - وجود برخی نشانه‌های داشتن تعلق به بافت در نماهای شهری مسکونی	نابسامان اجتماعی در بافت حاشیه‌ای جنوب محدود - عدم بهره‌گیری از نظرات مردمی در طراحی بافت	- امکان مشارکت ساکنین در ساماندهی بافت از طریق ارائه تسهیلات مالی - تقویت نمادهای شهری
---	--	---

نتیجه‌گیری

بنابر مطالعات انجام شده، هویت هر شهر عاملی است عینی و برگرفته از عناصر کالبدی، عملکردی و اجتماعی، که این عناصر با ایجاد معنا در ذهنیت اشخاص، هویت شهری را به وجود می‌آورند. این سیر حرکتی از ابعاد عینی هویت شهر به ذهنی هویت شهری منطبق با مفاهیم بیان شده در مطالعات «غراب» (۱۳۹۰) است. هم‌چنین چنان‌که بیان شد، هویت هر شهر در درجه‌ی نخست در تفاوت‌های آن شهر با سایر شهرها نهفته است، چنان‌که این تمایزات مثبت باشد، هویت شهر چهره‌ای مثبت به مخاطب می‌نمایاند و چنانچه این تمایزات مثبت، با ذهنیت مخاطب و تعلقات و تصورات او گره بخورد، هویت شهری را شکل می‌بخشد. این عامل را تا حد زیادی می‌توان بیان‌کننده‌ی عامل تمایز/ تشابه «میرمقتدایی» (۱۳۸۳) در معیارهای ارزیابی هویت کالبدی شهرها دانست. این پژوهش با دسته‌بندی عناصر هویت شهر، به کالبدی، عملکردی و اجتماعی، ضمن دربرگرفتن عناصر طبیعی، مصنوع و انسانی ذکر شده در مطالعات «بهزادفر» (۱۳۸۶)، به نقش هر یک از عوامل مذکور در تصورات مردم از شهر و ایجاد معنا تأکید داشته است و بدین طریق عناصر ذکر شده در تحقیق «پرویز پیران» (۱۳۸۴) را نیز به صورت جامع شامل می‌شود. براساس نتایج حاصل از مطالعه، خاطرات، تعلقات و تصورات شهروندان، در عین آن‌که تأثیرگذار بر تداوم هویت شهری است، خود نتیجه‌ی هویت شهری می‌باشد. در حقیقت انطباق معنای ایجاد شده از عناصر هویت‌ساز با فرهنگ و تصورات شهروندان و ارتباط آن با تعلقات و خاطرات آنها تحت عنوان ذهنیت، هویت شهری را پدید آورده که این هویت، خود سازنده‌ی تصورات، تعلقات و خاطرات است. این موضوع منطبق با نقش خاطره در تداوم و ایجاد هویت شهری ذکر شده در تحقیقات «حسینی و همکاران» (۱۳۹۰) است، اما سایر عوامل تأثیرگذار بر هویت شهری در مطالعات ایشان، می‌تواند زیرمجموعه‌ای از عوامل ذکر شده در پژوهش نگارنده باشد.

پیشنهاد

پژوهش حاضر با بررسی مفهوم هویت، تشخیص فضا و این همانی با فضا را، دو عامل اصلی هویت‌ساز در یک بافت شهری و در حقیقت هدف کلان طراحی هویت‌بخش می‌داند که راهکارهای طراحی آن در سه بعد کالبدی، عملکردی و ادراکی - اجتماعی متناسب با ویژگی‌های فضایی و انتظارات مخاطب از محیط متغیر است. بر این اساس در جدول ۴، راهبردها و راهکارهای طراحی بافت مرکزی شهر بهشهر، به منظور هویت‌بخشی به این محدوده ارائه شده است.

جدول ۴-۱: اهداف طراحی (منبع: نگارنده)

کد	اهداف کلان	اهداف خرد
G ₁	تشخص فضا	- ایجاد تشخص در محیط با عناصر مصنوع - ایجاد تشخص در محیط با عناصر طبیعی
G ₂		- تقویت تشخص فضا به کمک فعالیت - تقویت تشخص فضا به کمک سیستم ارتباطات و حمل و نقل
G ₃	این همانی مخاطب با فضا	- ادراکی - اجتماعی - رفع نیازهای مخاطب - خاطره‌انگیزی فضا - حس تعلق به فضا

جدول ۴-۲: بخشی از راهبردها و راهکارهای طراحی (منبع: نگارنده)

اهداف خرد	راهبردها	راهکارها
G ₁	- طراحی محور آب و تقویت آن - ساخت بناهای جدید منطبق با اصول معماری بومی در فضاهای مخروبه با کمک تهیه ضوابط - بازسازی بناهای فرسوده طبق ضوابط طرح بالادست و معماری بومی، به صورت هماهنگ و متجانس - ایجاد فضاهای باز شهری در فضاهای مخروبه و تخریبی - تأمین مبلمان مناسب در بافت به صورت هماهنگ و با طراحی خاص، به کمک تهیه ضوابط	- ترمیم بدنه‌ی محورهای آب به کمک سنگ و پوشش گیاهی در لبه - ملزم ساختن بناها به استفاده از سقف شیروانی با پوشش سفال در یک طیف رنگی مشخص - ایجاد فضاهای جمعی محلی در زمین‌های مخروبه - شناسایی مبلمان مورد نیاز در هر محدوده شهری - ایجاد تشخص در آن به کمک رنگ یا طرح خاص - منطبقه‌بندی تراکمی در محدوده با حداکثر ارتفاع چهار طبقه - ملزم ساختن بناهای با تراکم بیش از چهار طبقه

در وضع موجود به شکستن دید ناظر در طبقات پایین - رعایت ضوابط ارتفاعی حرایم تاریخی میراث فرهنگی و جنس مصالح منطبق با ساختار تاریخی به منظور تقویت ارزش مجموعه‌های تاریخی	- حفظ تراکم پایین بناها و جلوگیری از ساخت بناهای بلندمرتبه بدون برنامه مشخص - رعایت ضوابط میراث فرهنگی به منظور حفاظت کالبدی از مجموعه‌های واجد ارزش
- تغییر کاربری کاخ شهرداری به موزه - تغییر کاربری باغ تپه از نظامی به تفریحی با امکان برگزاری فستیوال در آن - تغییر کاربری‌های مزاحم به کاربری تجاری - مکان‌یابی و طراحی مناسب ایستگاه‌های تاکسی - کف‌سازی پیاده‌روها و تعریض آنها - ملزم ساختن پاساژها به تأمین پارکینگ - ایجاد محور پیاده در بافت - آزادسازی بخش مسکونی باغ چشمه منطبق با ضوابط میراث فرهنگی به منظور باززنده‌سازی باغ.	- تقویت عملکرد پارک ملت به کمک تزریق کاربری فرهنگی در آن - تقویت عناصر واجد ارزش به کمک برگزاری فستیوال - حفظ اختلاط عملکردی، ضمن تقویت فعالیت تجاری به کمک تدوین ضوابط - انتقال کاربری‌های ناسازگار با کالبد به بناهای ساخته شده در زمین‌های بایر، متروکه و مخروبه - طراحی مناسب سیستم حمل و نقل عمومی - بهبود وضعیت پیاده به کمک طراحی مناسب و ویژه - تأمین پارکینگ در محدوده با تراکم تجاری بالا
- طراحی خاص بدنه‌ی گره‌های شهری مهم - استفاده از نمادهای شهری چون انار و مرکبات در ساختار عناصر خوانایی به خصوص در فضاهای جمعی - پرداخت وام‌های کم‌بهره به ساکنان به منظور مرمت بناها - ارائه طرح پیشنهادی احیای بافت به مردم و دریافت نظرات آنان به منظور اعمال در طرح تا حد ممکن - واگذاری نظارت و اجرای جزئیات طراحی پارک‌های محلی به ساکنان - دادن مجوز به سکنه به منظور اجرای جزئیات فضاهای سبز در محدوده مکان سکونت خود منطبق با ضوابط	- تقویت عناصر خوانایی موجود در بافت به کمک ضوابط - به کارگیری نمادهای شهری در مجموعه عناصر خوانایی بافت - تشویق مردم برای حضور در مرمت بافت به کمک ارائه تسهیلات از سوی مؤسسات مختلف - در نظر گرفتن امکانات حضور مردم در طراحی بافت به صورت مستقیم - ایجاد حس تعلق به بافت به کمک نظرخواهی از مردم در طراحی آن و کمک گرفتن از آنها در اجرا - اطلاع‌رسانی به مردم به منظور اجرای مناسب طرح‌ها و نظارت آنها بر بافت

یادداشت‌ها

- ۱- حس مکان، بدین معناست که مردم تجربیاتی فرای خصوصیات فیزیکی مکان، که از طریق حس‌های پنج‌گانه قابل حصول است، داشته باشند و نوعی حس تعلق به روح مکان پیدا کنند (کارمونا و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۸۷).
- ۲- آنتونی گلدنز، فرهنگ را «ارزش‌های یک گروه معین و هنجارهایی که از آن پیروی می‌کند و نیز کالای مادی که تولید می‌کند» تعریف می‌کند. حیطه‌ی فرهنگ در چنین تعریفی (که کمابیش بر آن اتفاق نظر وجود دارد) بسیار گسترده است (زادرفیعی، ۱۳۸۴: ۱۲).

منابع

- اردشیری، مهیار و معماریان، غلام‌حسین (۱۳۸۹)؛ *هویت شهری شیراز*، شیراز: نوید شیراز.
- امیدیان، مرتضی (۱۳۸۷)؛ *هویت از دیدگاه روان‌شناسی (تعاریف، فرآیند، عوامل فردی و اجتماعی، اندازه‌گیری و مداخله)*، یزد: انتشارات دانشگاه یزد.
- براتی، ناصر و دیگران (۱۳۹۱)؛ *روش تحقیق در مطالعات محیطی*، تهران: ساکو.
- بصیرت، میثم (۱۳۸۳)؛ «دانشنامه مدیریت شهری»، زیر نظر ناصر برک‌پور، *مدیریت شهری*، س ۵، ش ۱۷، صص ۹۸-۱۰۹.
- بهزادفر، مصطفی (۱۳۸۷)؛ *هویت شهر (نگاهی به هویت شهر تهران)*، تهران: مؤسسه نشر شهر.
- پامیر، سای (۱۳۸۹)؛ *آفرینش مرکز شهری سرزنده: اصول طراحی شهری و بازآفرینی*، ترجمه مصطفی بهزادفر و امیر شکیبامنش، تهران: مرکز انتشارات دانشگاه علم و صنعت.
- جعفری، عباس (۱۳۸۴)؛ *گیتاشناسی ایران*، ج ۳، تهران: مؤسسه کارتوگرافی گیتاشناسی.
- حبیبی، سیدمحسن؛ مقصودی، ملیحه (۱۳۸۶)؛ *مرمت شهری*، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- حسن‌زاده، رمضان (۱۳۸۶)؛ *روش‌های تحقیق در علوم رفتاری*، تهران: ساوالان.
- حسین‌زاده دلیر، کریم؛ جوادی اشکلک، اردشیر (۱۳۸۵)؛ «اهمیت مرکز شهر و ضرورت توجه به آن و احیای آن»، *صفحه*، س ۱۵، ش ۴۲، صص ۳۹-۲۰.
- حسین‌پور، هاله و دیگران (۱۳۹۰)؛ «باززنده سازی و افزایش کیفیت زندگی در مراکز شهری با رویکرد BID (نمونه موردی: مرکز شهر ارومیه)»، *مدیریت شهری*، دوره ۹، ش ۲۸، صص ۲۸۴-۲۷۳.
- حسینی، سیدکمال‌الدین و همکاران (۱۳۹۰)؛ *هویت شهری*، مشهد: انتشارات بوی شهر بهشت.
- دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۷۷)؛ *لغت‌نامه‌ی دهخدا*، ج ۱۵، تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران با همکاری انتشارات روزنه.
- رامین، علی و همکاران (۱۳۸۹)؛ *دانشنامه دانش‌گستر*، ج ۴، تهران: مؤسسه دانش‌گستر روز.
- زادرفیعی، ناصر (۱۳۸۴)؛ «هویت شهر مقدمه‌ای بر شناخت و توانمندسازی هویت شهر ایرانی»، *آبادی*، س ۱۵، ش ۴۸، صص ۲۱-۱۰.
- صرافعی، مظفر؛ محمدیان مصمم، حسن (۱۳۹۲)؛ «امکان‌سنجی پیاده راه‌سازی خیابان‌های مرکز شهر همدان»، *آمایش محیط*، دوره ۶، ش ۲۱، صص ۱۳۸-۱۱۱.
- عمید، حسن (۱۳۶۲)؛ *فرهنگ فارسی عمید*، تهران: مؤسسه انتشارات امیرکبیر.

- غراب، ناصرالدین (۱۳۹۰)؛ **هویت شهری**، تهران: راه‌دان: انتشارات سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌های کشور.
- غفوریان، میترا و دیگران (۱۳۹۶)؛ «بازشناسی مؤلفه‌های پایداری اجتماعی مؤثر بر افزایش تعاملات اجتماعی در مجموعه‌های مسکونی هویت شهر»، س ۱۱، ش ۳۰، صص ۳۱-۴۴.
- فلامکی، محمدمنصور (۱۳۸۷)؛ **نظریه‌ای بر منشور مرمت شهری ایران**، تهران، وزارت مسکن و شهرسازی، مرکز مطالعاتی و تحقیقاتی شهرسازی و معماری.
- قاسمی‌اصفهانی، مروارید (۱۳۸۳)؛ **اهل کجا هستیم؟ (هویت بخشی به بافت‌های مسکونی)**، تهران: روزنه.
- قزایی، فریبا (۱۳۸۴)؛ «طبیعت، هویت و محلات شهری»، **آبادی**، س ۱۵، ش ۴۸، صص ۳۵-۳۲.
- گلکار، کوروش (۱۳۸۴)؛ «مناسب‌سازی تکنیک تحلیلی سوات برای کاربرد در طراحی شهری»، **صنغه**، دوره ۱۵، ش ۴۱، صص ۲۴۴-۶۴.
- گل‌محمدی، احمد (۱۳۸۱)؛ **جهانی‌شدن، فرهنگ، هویت**، تهران: نشر نی.
- ملگونف، گریگوری (۱۳۷۶)؛ **کرانه‌های جنوبی دریای خزر**، ترجمه امیر هوشنگ امینی، تهران: کتاب‌سرا.
- مهندسان مشاور فرهنگ (۱۳۸۴)؛ «مرکز شهر خرم‌آباد»، **جستارهای شهرسازی**، س ۴، ش ۱۲، صص ۸۳-۷۸.
- مهندسین مشاور بنیاد طرح و پژوهش (۱۳۵۱)؛ **طرح جامع بهشهر**، ج ۱، مرحله نخست.
- میرمقتدایی، مهتا (۱۳۸۳)؛ «معیارهای شناخت و ارزیابی هویت کالبدی شهرها»، **هنرهای زیبا**، دوره ۱۹، ش ۱۹، صص ۳۸-۲۹.
- نصر، طاهره (۱۳۹۶)؛ «جایگاه نشانه‌های شهری در واکاوی مؤلفه‌های هویت و فرهنگ در سیمای شهر ایرانی (مطالعه موردی: بررسی سیمای شهر شیراز)»، **هویت شهر**، س ۱۱، ش ۲۹، صص ۲۸-۱۷.
- نقره‌کار، عبدالحمید (۱۳۸۷)؛ **درآمدی بر هویت اسلامی در معماری و شهرسازی**، تهران، وزارت مسکن و شهرسازی، دفتر معماری و طراحی شهری: شرکت طرح و نشر پیام سیما.
- نقی‌زاده، محمد؛ طغیانی، شیرین (۱۳۹۰)؛ «ضرورت مدیریت بحران‌های هویتی در فضاهای شهری»، **هویت شهر**، س ۵، ش ۹، صص ۸۲-۷۳.
- نوفل، سیدعلیرضا و دیگران (۱۳۸۸)؛ «بررسی و ارزیابی شاخص‌های مؤثر در هویت شهری (نمونه موردی محله جلفا در شهر اصفهان)»، **آرمان‌شهر**، دوره ۲، ش ۳، صص ۶۹-۵۷.
- ویلبر، دونالد نیوتون (۱۳۸۷)؛ **باغ‌های ایران و کوشک‌های آن**، ترجمه مهین دخت صبا، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- ERDOĞAN, Başak Damla & AYATAÇ, Hatice (2015); "Assessment of urban identity characteristics in public places: A case study of Ortaköy Square", *ITU A/Z*, Vol 12, No 1, PP 115-125.
- Oxford advanced learner's dictionary (2008); Tehran, zabansara Publishing.
- Yaguang, Sun (2011); "Development and Characteristics of Central Business District Under the Philosophy of Health", 2011; *International Conference on Green Buildings and Sustainable Cities*, 15-16 September, Bologna, Italy